

درنگی بر مبنای فقهی مشاغل مجرمانه در حقوق کیفری ایران مبتنی بر ادله اجتهادی

نرجس اربابی^۱، محمدرضا کاظمی گلوردی^۲، عباس شیخ الاسلامی^۳

چکیده

زمینه و هدف: برخی از مشاغل در جامعه، با جرم‌انگاری و تعیین کیفر، جرم شناخته می‌شوند. درحالی‌که این مشاغل مجرمانه، در جامعه شایع هستند. عمده این مشاغل مجرمانه با کیفر تعزیری روبه‌رو هستند. از همین رو، هدف این پژوهش، بررسی جایگاه ادله اجتهادی جرم‌انگاری مشاغل مجرمانه در حقوق کیفری ایران است تا نهی از ارتکاب این مشاغل مجرمانه در قرآن کریم، سنت ائمه اطهار، اجماع و عقل تبیین و تحلیل شود.

روش: روش پژوهش توصیفی، تحلیلی و استنباطی از منابع کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها و نتایج: یافته‌های پژوهش بدین شرح است که تمامی مشاغل مجرمانه به نوعی از ادله اجتهادی بهره‌مند می‌شوند و مبنای فقهی جرم‌انگاری مشاغل مجرمانه، همان ادله اجتهادی است. حکم برخی از مشاغل مجرمانه، به دلیل اطلاق در حرمت افعال اصلی موضوع جرم، به مشاغل مجرمانه نیز سرایت کرده است و برخی از مشاغل مجرمانه مانند تکدی‌گری، بهره‌کمتری از ادله اجتهادی برده‌اند. برخی از مشاغل مجرمانه بر شرایط زمانی، مکانی و عرف بستگی دارند و اختلاف نظر در قبال آنان وجود دارد.

کلید واژه‌ها: مشاغل مجرمانه، مکاسب محرمه، ادله اجتهادی، ادله فقاهت.

* استناددهی (APA): اربابی، نرگس؛ کاظمی گلوردی، محمدرضا؛ شیخ الاسلامی، عباس. (۱۴۰۰). درنگی بر مبنای فقهی مشاغل مجرمانه در حقوق کیفری ایران مبتنی بر ادله اجتهادی. تحقیقات حقوقی آزاد، ۱۴(۵۲)، ۲۸۵-۲۶۹.
http://alr.iauctb.ac.ir/article_687347.html

۱. دانشجوی دکتری گروه فقه و مبنای حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

اربابی: arbabi.narges@gmail.com

۲. استاد یار گروه فقه و مبنای حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

اربابی: Mr_kazemigolvardi@yahoo.com

۳. دانشیار گروه جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و زبان‌های خارجه، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

اربابی: a.sheykholeslami@gmail.com



مقدمه

اهداف پژوهش بدین شرح است. اولاً، مفهوم و دسته‌بندی از مشاغل مجرمانه ارائه شود؛ ثانیاً، بررسی مشاغل مجرمانه مبتنی بر ادله اجتهادی از فقاهتی جدا شود؛ ثالثاً، ادله اجتهادی جرم‌انگاری مشاغل مجرمانه در حقوق کیفری ایران تشریح و ارزیابی شود.

مسئله پژوهش این است که جایگاه ادله اجتهادی در جرم‌انگاری مشاغل مجرمانه در حقوق کیفری ایران چیست؟ به‌طور مثال، شغل تکدی‌گری و درآمد آن بر چه اساسی از فقه امامیه در حقوق کیفری ایران، مورد جرم‌انگاری و حکم قرار گرفته است؟ آیا از ادله اجتهادی نیز در جرم‌انگاری آن استفاده شده یا مبانی فقهی آن، صرفاً مبتنی بر ادله فقاهتی است؟

نوآوری پژوهش حاضر و تفاوت آن با پژوهش‌های قبلی در این است که اولاً، تاکنون هیچ اثری به تبیین موضوع مشاغل مجرمانه اقدام نکرده است؛ ثانیاً، ادله اجتهادی و فقاهتی در هیچ اثری متمایز نشده است؛ ثالثاً، جایگاه ادله اجتهادی در جرم‌انگاری مشاغل مجرمانه در هیچ اثری، بررسی و تشریح نشده است و دیدگاه فقه امامیه در قبال حکم تکلیفی و وضعی درآمد حاصل از شغل مجرمانه که دارای نهی از طریق ادله اجتهادی است، بررسی نشده است. این تحقیق با یافتن مبانی فقهی جرایم تفاوت دارد.

روش این پژوهش، توصیفی، تحلیلی و استنباطی است که از منابع کتابخانه‌ای بهره برده است و از داده‌های میدانی و ابزار آن استفاده نشده است.^۱

ساختار این پژوهش بدین شرح است که مشاغل مجرمانه مبتنی بر ادله اجتهادی به ۹ دسته تقسیم می‌شوند که تبیین و تشریح و فقهی و حقوقی در قبال آن صورت می‌گیرد.

۱. مشاغل مجرمانه مرتبط با جرائم جنسی

منظور از مشاغل مجرمانه مرتبط با جرائم جنسی؛ شغل افرادی است که از طریق زنا، لواط، تفریض، مساحقه و قوادی، کسب درآمد می‌نمایند و مشمول جرائمی مانند رابطه نامشروع نمی‌شود. اصل جرائم فوق‌الذکر، سوای از موضوع مشاغل آن، در زمره حدود قرار گرفته‌اند که تعریف آن در فقه (خویی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۳) و قانون (ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) آمده است اکنون سؤال این است که در قبال تحصیل مال از طریق ارتکاب جرائم جنسی و انتخاب آن به‌عنوان شغل؛ چه حکمی وجود دارد؟

۱. توضیح این مطلب نیز ضروری است که منظور از ادله اجتهادی، همان ادله اربعه‌ای است که منبع فقه امامیه تلقی شده و عبارت‌اند از قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل (اسماعیل‌تبار، ۱۳۹۵: ۲۹). بر اساس این ادله، حکم تکلیفی اجتهاد شده و به‌عنوان ادله اجتهادی شناخته می‌شوند تا حکم واقعی را از آن به‌دست آوریم، اگر در مسئله‌ای دلیل اجتهادی نداشتیم یعنی نه در قرآن، نه در سنت، نه در اجماع و نه توسط عقل، حکم واقعی مسئله بیان نشده باشد به‌ناچار سراغ دلیل فقاهتی می‌رویم (زراعت و مسجدرسانی، ۱۳۸۸، ج ۳: ۱۹).

مطابق آیات متعددی در قرآن کریم، موضوع حرمت و مذمت زنا مطرح شده است (انعام، ۵؛ اسراء، ۳۲؛ نمل، ۵۴؛ عنکبوت، ۲۸). این موضوع در مجموعه روایات موجود در نهی از اشاعه فحشا نیز قابل جست‌وجو است (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۱۰۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۱۴۷). علی‌رغم وجود آیات و روایات، ولی برای ارتکاب جنسی به‌عنوان شغل، سیاست کیفری مشدد یا سخت‌گیرانه‌ای در حقوق ایران اتخاذ نشده است. شاید دلیل آن، این باشد که میزان مجازات جرائم زنا به‌تنهایی کافی و شدید است و شغل شدن آنان، با توجه به جنس مجازات، نیاز نباشد (ماده ۲۲۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲) مضافاً اینکه موضوع اداره کردن مرکز فحشا در تعزیرات مورد جرم‌انگاری خاص قرار گرفته است که در ادامه بررسی می‌شود (در بند ۳ این مقاله). به نظر می‌رسد که صریحاً حکمی در خصوص مال کسب‌شده ناشی از جرائم جنسی وجود نداشته باشد. بلکه از طریق قیاس اولویت، زمانی که اصل موضوع مورد حرمت مؤکد است، به طریق اولی کسب مال از این طریق نیز با حکم حرمت مواجه باشد (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۶).

علاوه بر شغل مجرمانه زنا یا لواط زنا، لواط، تفریض، مساحقه، شغل مجرمانه قوادی نیز در ماده ۲۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. قوادی از به‌هم رساندن دو یا چند نفر برای زنا و یا لواط و مستند شرعی ماده روایتی از «پیامبر اکرم» صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم، است که می‌فرماید: «هرکسی میان زن و مرد قوادی کند، خداوند بهشت را به او حرام می‌گرداند و جایگاه او جهنم است و عاقبتی ناشایست دارد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴: ۱۲۱). این حکم نیز مبتنی بر روایات، جزء حدود تلقی شده و دارای مجازات حدی است (خوئی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۹۱-۸۹).

نتیجه آنکه مشاغل مجرمانه مرتبط با جرائم جنسی، علی‌رغم اینکه از منظر شغلی به آنان نگریده نشده است و در اینکه آیا باید از این منظر نگریده شود یا خیر، اختلاف نظر است؛ با جرم‌انگاری به‌صورت مطلق، مشمول حالت شغلی نیز شده است و سیاست کیفری حقوق ایران، در این رابطه، پرداختن به‌صورت مطلق است. اقدام قانون‌گذار، مبتنی بر شرع و حکم شرعی یا همان ادله اجتهادی است. بنا به قیاس اولویت نیز، این موضوع با حکم حرمت روبه‌رو است. اینکه چرا در این خصوص، از فقها استفتا صورت نگرفته و یا چرا تاکنون موضوع بحث نبوده است و یا اینکه چرا در کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره) از این دسته از مکاسب، سخنی به‌میان نیامده است، شاید دلایلی مانند بدیهی بودن یا کم‌اهمیت بودن جنبه مالی موضوع بوده باشد. از منظر عقل نیز، این دیدگاه وجود دارد که کسب از طریق حرامی که جزء حدود الهی است، قطعاً حرام و مذموم شناخته شده می‌شود. مضافاً اینکه صیغه نهی مورد استفاده در این خصوص، گواه این است، اطلاق دارد و بر اساس اطلاق، زمانی که اصل موضوع نهی شده، فرعیات آن نیز به‌تبع آن مورد نهی قرار می‌گیرند.

۲. مشاغل مجرمانه مرتبط با محاربه و بغی

مهم‌ترین نوع مشاغل مجرمانه مرتبط با محاربه و بغی، فروش اسلحه به آنان است و همکاری با محارب، به معنی شغل محسوب نمی‌شود و عرفاً فروش اسلحه یا سایر ادوات به‌عنوان شغل مجرمانه مرتبط با محاربه یا بغی، در نظر گرفته می‌شود که حکم آن در کتب مکاسب محرمه، به‌اتفاق آمده است. شیخ انصاری (ره)، این معامله را نوعی از معاملات به قصد حرام دانسته و معامله‌ای می‌داند که می‌تواند در حرام استفاده شود. از نظر ایشان، حرمت این قسم را نمی‌توان از راه اعانه اثبات نمود. اگر بخواهد چنین خرید و فروشی حرام گردد، باید اکثر بیع مردم حرام باشد. بر این اساس، باید به موارد نص خاص بسنده نمود؛ مانند فروش اسلحه به اعدای دین (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۴). اصل موضوع محاربه یا بغی، مورد توجه در قرآن کریم (مائده، ۳۳) و یا روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷: ۲۴۸) است.

با این حال، این موضوع با ۴ چالش قابل تأمل مواجه است:

- ۱) زمان (جنگ یا صلح) فروش اسلحه در تعیین حکم چه اهمیت دارد؟
- ۲) شخص و هدف خریدار در این موضوع چه اهمیت دارد؟ اگر کسی شغلش، فروش اسلحه (بدون مجوز) باشد و آن را به کسی که شرایطش را دارد و برای حفاظت از خود تهیه می‌کند یا قصد خریدار برای فروشنده مجهول باشد، مشمول حکم متفاوتی است که به‌طور مثال، اقدام به فروش اسلحه به گروهک داعش یا کشور آمریکا یا شخص مخالف نظام نماید.
- ۳) اگر اسلحه به شخصی بفروشد و بعداً در محاربه یا بغی استفاده شود، تکلیف کسب فروشنده چیست؟

۴) حکم شغل مجرمانه فروش وسایل دفاعی به محارب مانند فروش لباس ضد گلوله، چیست؟ در قبال چالش نخست که مربوط به زمان فروش اسلحه است، فقها اتفاق نظر دارند که حرمت بر این معامله، در زمان جنگ است شهید ثانی (عاملی جبعی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱: ۱۶۰)، علامه حلی (۱۳۷۷: ۷۶۰)، محقق ثانی (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱: ۳۲۳)، محقق حلی (۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۰۷)، صاحب نهاییه (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۴۳۵) و صاحب سرائر (الحلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۴۶) و شیخ انصاری (ره) ذیل بیان ۵ روایت، ۲ روایت را معطوف به همین موضوع دانسته است. دو روایت به‌صورت مطلق بر عدم جواز نقل حمل نموده و یک خب را هم به‌طور مطلق بر جواز این معامله دانسته است (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۹).

برای چالش دوم، در صورت فروش اسلحه بدون ارتباط به محاربه و بغی یا دشمنی با اسلام، حکم اسلام به جواز این معامله است؛ زیرا نهی در این خصوص وارد نشده است (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۹)، اگر از قصد معامله حتی برای زمان دور آگاه باشد و آن قصد حرام باشد، این معامله

باطل است و درآمد از طریق آن، با توجه به بطلان معامله، مشمول حرمت «اکل مال بالباطل» است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۰۷).

برای چالش سوم این نظر وجود دارد که اگر در زمان معامله و فروش، اساساً هیچ قرینه و نشانه‌ای از استفاده از آن در محاربه و ... نباشد، با توجه به صحت معامله، کسب ناشی از آن، صحیح است (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۹).

برای چالش چهارم که مربوط به فروش وسایل دفاعی است، شهید ثانی (عاملی جُعبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۱: ۱۶۰)، علامه حلی (۱۳۷۷: ۷۶۰)، محقق ثانی (کرکی، ۱۴۱۱ق، ج ۱۱: ۳۲۳)، محقق حلی (۱۴۰۸ق، ج ۲: ۲۰۷)، صاحب نهاییه (شیخ طوسی، ۱۴۰۰ق، ج ۱: ۴۳۵) و صاحب سرائر (الحلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲: ۴۴۶) تنها به موضوع فروش اسلحه پرداخته و در قبال لوازم دفاعی، در زمان صلح یا جنگ را مورد اشاره قرار نداده‌اند. لذا حکم به جواز این معاملات داده می‌شود. شهید اول (۱۴۰۰ق، ج ۲: ۱۹۰)، جواز بیع وسایل دفاعی را مقید به زمان صلح دانسته و شیخ انصاری (ره) در این خصوص، تنها نظرات را نقل کرده و دیدگاه خود را ارائه نکرده است (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۰).

سواى از نظرات اختلافی مذکور، در خصوص اصل موضوع یعنی کسی که شغلش، فروش اسلحه برای محاربه یا بغی است، با عنایت به اینکه اصل موضوع، بدون هیچ ابهامی مورد نهی قرار گرفته است، به طریق اولی موضوعات فرعی نیز نهی شده، محسوب می‌شوند. مضافاً اینکه معامله فروش اسلحه در صورت ذکر جهت نامشروع آن، از نظر حقوقی باطل است (ماده ۱۹۱ قانون مدنی)، لذا برای این قبیل از مشاغل مجرمانه، دلایل چهارگانه قرآن کریم، روایات، اجماع (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۰) و عقل (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۳: ۶۵) قابل ذکر است. شیخ انصاری (ره) در تکمیل موضوع حرمت بیع سلاح به اعدای دین این مطلب را مطرح می‌کنند که بیع سلاح به راه زنان، جایز است؛ زیرا اعداء دین محسوب نمی‌شوند. مضافاً اینکه اصل بیع در نظر ایشان فاسد نیست (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۶۰). نگارنده نیز معتقد است که زمانی که اصل بیع صحیح دانسته شود، شغل بودن و کسب درآمد از طریق آن، تنها در صورتی مجرمانه است که از نظر شرع یا قانون، برای این موضوع حکم خاصی در نظر گرفته شود و الا جواز آن ارجح است. لازم به ذکر است که فروش اسلحه بدون مجوز و یا با مجوز، از طریق ادله فقهاتی مورد توجه است که از محور این بحث خارج است.

۳. مشاغل مجرمانه مرتبط با فساد و فحشا

منظور از مشاغل مجرمانه مرتبط با فساد و فحشا، موارد زیر است:

۱) دایر کردن یا اداره کردن مرکز فساد و فحشا (ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)؛

۲) فراهم آوردن موجبات فساد یا فحشا (ماده ۶۳۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲)؛
۳) مشاغل مجرمانه مرتبط با جریحه‌دار کردن عفت عمومی (ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲).

مطابق بند ۲ ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، هر کس از طریق وسیله‌ای از قبیل لوازم نمایشی یا فیلم و یا هرگونه فعل مادی در راستای جریحه‌دار نمودن عفت عمومی انجام دهد و از این طریق کسب منفعت کند، مانند آنکه فیلم‌های «پورن» را به فروش برساند، با مجازات حبس، جزای نقدی و شلاق روبه‌رو است. با توجه به این افعال، قصد کسب حرام است و قواعد فقهی همچون «حرمت اعانت بر اثم و عدوان»، «حرمت مقدمه حرام» و «التعزیر بما یراه الحاکم» (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۶۷) قابل اطلاق است.

از دیدگاه فقهای اسلامی نیز حکم به حرمت اشاعه فحشا داده شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲: ۱۸۹)؛ زیرا این عمل باعث انحراف جامعه از مسیر اصلی و حقیقی خود می‌شود و درنهایت موجب گمراه شدن افراد می‌گردد. در آموزه‌های اسلامی به مقوله حفظ حیا و عفت اهمیت فراوانی داده شده است و انسان را از عواملی که باعث انحطاط جامعه و حرکت به سوی بی‌عفتی می‌گردد، بر حذر داشته است. یکی از این عوامل نیز دایر و یا اداره کردن مرکز فساد و فحشاست که در شرع و قانون نیز ممنوع دانسته شده است. در این رابطه، آیات قرآن کریم (نور، ۱۹ و نساء، ۲۰) روایات (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۲۷۲) تأیید کننده حکم شرعی یا همان ادله اجتهادی است.

نوع مجازات اتخاذی برای اصل این جرائم (دایر کردن یا اداره کردن، فراهم آوردن موجبات فساد و جریحه‌دار کردن عفت عمومی) تعزیری است که بر اساس قواعد فقهی «التعزیر بما یراه الحاکم» و «التعزیر لکل عمل حرام» و «التعزیر لِدون الحد» استوار است (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۹). نهی و مذمت از انجام این امور نیز در آیات و روایات مشهور و متعدد وجود دارد و صیغه نهی در قبال آن جاری شده است. اکنون سؤال باقی است که علی‌رغم این شرایط، درآمد ناشی از این موضوعات چه حکمی دارد؟ اگر قرار باشد همه موضوعات را از طریق قیاس اولویت و یا قیاس مستنبط العله (که مورد تأیید امامیه نیست) بررسی کنیم یا وحدت ملاک در نظر بگیریم، ممکن است موجب شود افراط یا خطایی صورت گیرد و یا استفاده از اصل احتیاط، مکف به را اقتناع به ترک نکند (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۲۰) یا اینکه به حریم خصوصی و قراردادهای خصوصی لطمه وارد شود.

سؤال این است که آیا اسلام در قبال این درآمدها که به صورت شغل صورت می‌گیرد، حکمی دارد؟ بدیهی است که از اسلام و یا هر دینی نمی‌توان ادعا داشته که تکاپوی همه موضوعات را با ذکر صریح در احکام بدهد، بلکه موضوع باید از ادله اجتهادی آیات قرآن کریم (نور، ۱۹ و نساء،

۲۰) روایات (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق، ج ۴: ۲۷۲) بهره برده و شرایط را برای صدور حکم مناسب مهیا کند. همان گونه که مسلم است، اساس موضوع جرم، از نظر شرعی با نهی مسلم مواجه است و تکلیف اعمال مجرمانه بدون در نظر گرفتن کسب آن، حکم مشخصی دارد. اگر به مطلب از نظر حقوقی توجه کنیم و حکم معامله را جویا شویم مشخص می شود که این معامله حتی در صورت عدم ابراز جهت معامله، نمی تواند صحیح باشد (قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۶۳)؛ زیرا به صورت ضمنی، جهت نامشروع معامله مشخص است و از نظر فقهای امامیه نیز، وجود ادله کافی برای نامشروع شدن معامله، نیازمند تصریح نیست و معامله باطل است (قبولی درافشان، ۱۳۸۹: ۲۷۰)؛ برای مطالعه نظر مخالف، ر.ک. به: کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۹۵) بدین ترتیب، سوای از حکم نهی مسلم و اتخاذ تعزیر برای این اعمال، معامله موجود در این خصوص نیز با حکم بطلان روبه رو است؛ بنابراین، کسب از این طریق حرام، مصداق حرمت «اکل مال بالباطل» است.

۴. مشاغل مجرمانه مرتبط با قماربازی

منظور از مشاغل مجرمانه مرتبط با قماربازی، عبارت است از:

- ۱) خریدن، فروش، حمل، نگهداری آلات قمار (ماده ۷۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۲) انجام قماربازی به عنوان شغل (ماده ۷۰۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۳) ساخت آلات قمار (ماده ۷۰۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۴) اداره قمارخانه (ماده ۷۰۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵).

یکی از مسلمات فقه اسلامی که تمامی فقها به صورت اجماعی آن را پذیرفته اند، حرمت قماربازی است. برای اثبات این حکم نیز به ادله اربعه قرآن کریم (بقره، ۲۱۹ و مائده، ۹۰)، روایات (عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱: ۲۳۶) و اجماع (شیخ انصاری، ۱۳۸۸: ۵۲) استناد کرده اند. در کتاب مکاسب شیخ انصاری (ره)، مشاغلی که به خاطر قصد حرام، حرام اعلام گردیده اند، به سه دسته تقسیم می شود:

- ۱) مکاسبی که استفاده خاص از آن، در راه حرام است مانند فروش آلات قمار؛
- ۲) مکاسبی که متبایعان آن، قصد حرام دارند مانند فروش انگور برای شراب سازی؛
- ۳) مکاسبی که شان آن در استفاده در جهت حرام است مانند فروش اسلحه به دشمنان (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۳).

دلیل شیخ انصاری (ره) بر حرمت این موارد، ادعای اجماع منقول ایشان و نیز مصداق اکل مال بالباطل دانستن موضوع است (خمينی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۱۱۲). بر همین اساس بایسته است ساخت ادوات قماربازی نیز از به دلیل قاعده «اعانه بر اثم» ممنوع و حرام باشد. به موجب این قاعده هر عملی که باعث فراهم آوردن زمینه و مقدمات انجام گناه و معصیت باشد، حرام است. از این رو

ساخت وسایل مخصوص قماربازی نیز توسط قانون‌گذار ایران جرم‌انگاری شده و مرتکبین آن را مستحق مجازات دانسته است. بدیهی است که در قماربازی یا ساخت ادوات قمار، توجه به کسب مادی آن غیر قابل انکار است. از طرفی، این معاملات به دلیل داشتن قصد حرام، به اتفاق فقها، حرام تلقی می‌شود (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۵۳). با این حال، این موضوع چالشی وجود دارد که حکم حقوقی فروش آلات قمار مانند «شطرنج» و «پاسور» که می‌تواند منفعت مانند سرگرمی یا بازی داشته باشد، مورد اختلاف نظر فقهای معاصر است. برخی معتقد به حرمت آن بوده (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۶۴) و برخی حرمت را برای آن قائل نیستند (صادقی تهرانی، ۱۳۸۴: ۳۱۹). جالب اینجاست که میان برخی از اندیشمندان معاصر، موضوع پاسور و شطرنج، از حکم یکسان برخوردار نیست. حال آنکه از هر دو وسیله می‌توان برای قمار یا سرگرمی استفاده کرد (ر.ک. به: خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۶۴ و خمینی، ۱۳۶۳: ۳۰۶) درنهایت به این موضوع نیز باید توجه داشت که ملاک در آلات قمار دانستن وسیله‌ای، عرف محل است (خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۶۴). همچنین اگر موضوعی سابقاً آلات قمار محسوب شده است و اکنون محل اختلاف باشد، بنا به اصل استصحاب، همچنان آلات قمار محسوب می‌شود (خامنه‌ای، ۱۳۸۰: ۲۶۵).

۵. مشاغل مجرمانه مرتبط با مشروبات الکلی

منظور از مشاغل مجرمانه مرتبط با مشروبات الکلی، افعال مادی زیر است:

- ۱) خرید، حمل و نگهداری مشروبات الکلی (ماده ۷۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۲) ساختن و فروش مشروبات الکلی (ماده ۷۰۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۳) دایر کردن یا اداره محل شرب مشروبات الکلی (ماده ۷۰۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵).

کسب از هر مایع مست‌کننده‌ای در فقه امامیه حرام است و دلیل آن آیات (مائده، ۹۰ و مدثر، ۵)، روایات (قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۱: ۱۸۰؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۳۰) و اجماع (انصاری، ۱۳۸۸: ۷۶) است که در این باب وارد شده است.

به نظر می‌رسد که این موضوع به مانند سایر موضوعات مشابه که اصل موضوع، در حدود قرارداد نشده است، متفاوت بوده و باید موضوعاتی که در حدود برای آن مجازات تعیین می‌شود و نهی مسلم بر آن وجود دارد را با سایر موضوعات، متمایز دانست. از طرف دیگر، این موضوع به مانند فروش اسلحه برای محاربه یا دایر کردن مرکز فساد، انجام افعال مادی ارتکاب جرم، قصد و جهت معامله را نیز کشف می‌کند. با توجه به قصد نامشروع و نهی مسلم از اصل موضوع، بنا به ادله اجتهادی مذکور، معامله باطل و کسب درآمد از طریق این شغل، به طریق اولی حرام بوده و مصداق حرمت «اکل مال بالباطل» است (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۴).

۶. مشاغل مجرمانه مرتبط با سرقت

سرقت از جمله جرائمی است که هم می‌تواند جزء حدود و هم جزء تعزیرات به حساب آید. برای این منظور، افعال و شرایط ارتکاب این جرم از هر دو گونه حدی و تعزیری متفاوت است. آنچه در قبال سرقت مشاغل مجرمانه مرتبط با آن، مطرح است، مربوط به سرقت تعزیری است که مشاغل زیر در این رابطه وجود دارد:

- ۱) کسی که شغل خود را راهزنی قرار دهد (ماده ۶۵۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۲) کسی که شغل خود را دزدی قرار دهد (ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۳) کسی که شغل خود را دزدی از آثار فرهنگی تاریخی قرار می‌دهد (ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۴) کسی که شغل خود را خریدن اموال دزدی فرهنگی تاریخی انتخاب کند (ماده ۵۵۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۵) کسی که شغل خود را فروش اموال مسروقه قرار دهد (ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵).

قانون‌گذار تنها در قبال دو شغل، خود پیشاپیش، تصور کرده است که می‌تواند به‌عنوان شغل انتخاب شود. یکی از آن دو شغل، همین شغل مال‌خری اموال مسروقه است (ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)، شغل دیگر تکدی‌گری است که در ادامه تشریح می‌شود (در بند ۸ این مقاله). قرآن کریم (مانده، ۳۸ و ممتحنه، ۱۲) و روایات متعدد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲۰۹: ۱۸؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۷: ۳۶۶؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۶: ۲۴۷). در این خصوص، حکم فقهی مشخص حرمت را برای این موضوع مطرح می‌کند. در خصوص مداخله در اموال مسروقه یا شغل سرقت از اماکن دولتی، مبنای فقهی آن، همان مبنای فقهی سرقت است. بدین ترتیب، آیات و روایات در این زمینه نیز وجود دارد. با عنایت به حرمت سرقت، اتخاذ مجازات تعزیری برای مداخله در اموال مسروقه یا سرقت از اماکن دولتی (سرقت از نوع تعزیری) قابل توجیه است. آیات فوق، در قبال شغل سرقت از اموال دولتی نیز صدق می‌کند، ولی در قبال مداخله در اموال مسروقه، این آیات کم ارتباط بوده و از نظر ارتباط با موضوع سرقت، می‌توان وحدت ملاک گرفت. در تفاسیر نیز، اشاره‌ای به موضوع مداخله در اموال مسروقه نشده است، ولی شغل دزدی به صورت معمول، بر اساس این آیات، مورد نهی قرار گرفته است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۲۰۴). سوای از اینکه سرقت حدی یا تعزیری باشد، اصل موضوع دارای نهی مسلم است. ادله اجتهادی چهارگانه، کسب درآمد از طریق انتخاب یکی از مشاغل مجرمانه مذکور را، مصداق بارز «اکل مال بالباطل» دانسته و نامشروع بودن از این طریق، مورد اجماع و تأیید عقل است (محقق داماد، ۱۳۹۵: ۱۴۱).

۷. مشاغل مجرمانه مرتبط با مواد مخدر

منظور از مشاغل مجرمانه مرتبط با مواد مخدر، افعال مادی در راستای تولید، وارد کردن، صادر کردن، خرید، فروش مواد مخدر یا ادوات آن یا اداره مکان برای استعمال آن است (ماده ۱ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۷۶ اصلاحات ۱۳۸۹). برخی از محققین، موضوع حرمت مواد مخدر را با حکم شرب خمر، هم ملاک دانسته و از باب آنکه این ماده به مانند خمر، سکرآور است و ازاله عقل می‌نماید و حرمت آن از باب تحقق ضرر و نفی ضرر به انسان می‌دانند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴: ۶۰).

در باب ادله حرمت مصرف مواد مخدر چندین مبنا و دلیل مطرح است: قران کریم (نساء، ۲۹؛ بقره، ۱۹۵؛ اعراف، ۱۵۷؛ مائده؛ ۹۱)، روایات (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴: ۳۶۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۳: ۳۰۱؛ نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۴۶) و اجماع (خمینی، ۱۳۷۴: ۳۳۹) برای حرمت این پدیده مورد استدلال بوده است. چنین استدلال شده است که هر چیزی که انسان را از یاد خدا بازدارد و مانع انجام عبادت الهی شود حرام و ممنوع است. استعمال مخدرات همانند خمر بازدارنده از یاد خدا و از نماز است و هر امر بازدارنده از یاد خدا و مانع نماز حرام است، در نتیجه استعمال و مصرف مخدرات شرعاً حرام است (خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۳۴۱). اگر به روایات وارده در خصوص خمر توجه شود، درمی‌یابیم که در برخی از این روایات (مانند روایت صحیح از محمدبن مسلم در کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵: ۲۳۰) صراحتاً در آمد ناشی از این کسب، حرام و باطل تلقی شده است. اکنون آیا موضوع مواد مخدر، با موضوع شرب خمر قابل مقایسه است؟ اگر این موضوع با دلیل قیاس مشابه الحکم دانسته شود، چه نوع قیاسی صورت گرفته است؟ با عنایت به اینکه اساس موضوع، خمر محسوب نمی‌شود، برای بررسی باید به عموم عام مراجعه شود که در این حالت، حکم معامله خمر و مواد مخدر مشخص می‌شود. با این حال این موضوع دلیلی بر این مسئله نیست که مجازات خمر یعنی ۸۰ ضربه شلاق حدی، بر مواد مخدر سرایت کند؛ زیرا برای مجازات حدی باید تصریح وجود داشته باشد و چگونگی آن مشخص باشد (خویی، ۱۳۸۸، ج ۲: ۲۳؛ ماده ۱۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۵). اکنون که این موضوع در حدود وجود ندارد، به علت اقتضای حرمت، در قالب مجازات تعزیری، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است (محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۶۱).

نگارنده برخلاف نظر امام خمینی (ره)، معتقد است که اساساً مواد مخدر با خمر قابل مقایسه نباشد؛ زیرا اولاً حکم مواد مخدر تصریح نشده، ولی حکم خمر در زمره حدود تصریح شده و با وجه به ویژگی جرائم حدی، این قبیل جرائم، محصور است. ثانیاً مواد مخدر الزاماً سکرآور نیست و استفاده از بیشتر موارد آن با حالت مستی در شرب خمر تفاوت دارد. اگرچه شرب خمر نیز مطلقاً به‌صرف خمر بودن، نهی شده و تنها شرب آن مجازات حدی دارد نه سایر شقوق آن. ثالثاً باید

توجه داشت که مطابق حقوق ایران، معامله در حالت مستی یا خواب، باطل تلقی شده است (ماده ۱۹۵ قانون مدنی) و در این خصوص ذکری از مواد مخدر نشده است؛ یعنی کسی که مواد مخدر استعمال کرده است و اقدام به معامله نماید، معامله وی صحیح است؛ زیرا به قصد معامله خللی وارد نمی‌کند (مستفاد از ماده ۱۹۵ قانون مدنی، ر.ک. به: کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۱۹۸). بنابراین، قیاس خمر و مواد مخدر در مواردی، صحیح تلقی نمی‌شود. مضافاً اینکه اساساً سؤال اصلی این است که حکم معامله و درآمد مرتبط با مواد مخدر چیست؟ آیا تولید، وارد کردن، صادر کردن، خرید، فروش مواد مخدر یا ادوات آن یا اداره مکان برای استعمال مواد مخدر به مانند حکم خمر، حرام تلقی می‌شود یا خیر؟ پاسخ منفی است؛ یعنی با عنایت به اینکه حرم تکلیفی بر حرمت مواد مخدر وجود ندارد و قیاس میان خمر و مواد مخدر مستنبط العله محسوب می‌شود و تفاوت میان این دو موضوع، وجود دارد، لذا از این نظر حکم حرمت بر این موارد صادر نمی‌شود. بلکه از باب ورود ضرر، فحشاء و سایر ادله عقلی، احتیاط به ترک آن و از باب نهی از طریق قانون، حرمت بر ارتکاب آن وضع می‌شود. با این حال، نظر امام خمینی (ره) در این رابطه نیز به عنوان نظر مخالف، نظر متقنی محسوب می‌شود، ولی از پشتوانه دیدگاه فقهای متقدم و متأخر برخوردار نیست.

در خصوص شغل مجرمانه «اداره و دایر کردن مرکز فساد و فحشا» اولاً، مفهوم فساد و فحشا گسترده است و هر عمل غیرقانونی و مجرمانه را شامل می‌شود که ماده قانونی این جرم، در ذیل مباحث جرائم علیه عفت عمومی آمده است و منظور ارتکاب اعمالی منافی با عفت عمومی است. ثانیاً، دایرکننده یا اداره‌کننده، قصد تحصیل مال از طریق ارتکاب فساد و فحشا دارد و مصداق تحصیل مال از طریق نامشروع است. ثالثاً، این موضوع در کشور ایران و حقوق کیفری ایران، عمل مجرمانه‌ای است و در بیشتر کشورهای جهان، حتی کشورهای مسلمان مانند عربستان، مالزی، مصر و... این موضوع جرم‌انگاری نشده است. رابعاً این موضوع در هیچ‌یک از کتب فقهی و موضوع مکاسب محرمة مطرح نشده است. خامساً، دلایل فقهی این جرم‌انگاری، بنای عقلا، قواعد فقهی همچون «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام»، «حرمت اعانت بر اثم و عدوان»، «حرمت مقدمه حرام»، «التعزیر بما یراه الحاکم» است (محقق داماد، ۱۳۸۷: ۲۳۰؛ محقق داماد، ۱۳۸۸: ۱۷۰-۱۶۱).

در خصوص شغل مجرمانه «اداره یا دایر کردن مکان استعمال مواد مخدر»، باید بر این نظر بود که اساساً با توجه به جدید بودن پدیده مواد مخدر، دلیل شرعی خاص و مستقیم قابل طرح نیست. لکن دلایل غیرمستقیم به این موضوع نیز پرداخته است (نساء، ۲۹؛ بقره، ۱۹۵). ولی این دلایل به استعمال مواد مخدر بازمی‌گردد. نه به موضوع اداره یا دایر کردن مرکز استعمال مواد مخدر. همچنین تمسک به قاعده «لاضرر و لا ضرر فی الاسلام» در خصوص مواد مخدر، دارای موافقان و مخالفانی است. به طور مثال، برخی از اندیشمندان، این موضوع را در مصرف غیرمتعارف آن صادق می‌دانند و در غیر این صورت، استعمال آن به استناد این قاعده را صحیح نمی‌دانند. برخی

دیگر، مطلق‌انگاری را ترجیح داده و مانند قانون‌گذار ایران، خط ممنوع و قرمز بر کل موضوع کشیده‌اند.

اجماع فقها نیز در این خصوص کارگشا نیست، زیرا محصل از نظر معصوم نبوده و نمی‌توان اجماع دلیلی بر نفی یا اثبات آن دانست. از منظر عقل، دایر و اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر، با توجه به آثار زیان‌بار اجتماعی به‌ویژه برای کودکان و ترغیب به استعمال مواد مخدر، امری مذموم و ناپسند است. از باب قاعده «حرمت اعانت بر اثم و عدوان» اداره یا دایر کردن مکان استعمال مواد مخدر، حرام تلقی می‌شود؛ زیرا با دایر کردن مکان، کمک شایانی به ارتکاب گناه می‌شود. لکن در گناه بودن یا نبودن مواد مخدر همواره اختلاف نظر است، اگرچه بر مجرمانه بودن آن، هیچ اختلاف نظری نیست. از باب قاعده «حرمت مقدمه حرام» نیز، دایر کردن مکان استعمال مواد مخدر، مقدمه فعل حرام است که تهیه این مقدمه نیز حرام است. نکته قابل توجه آن است که دایر کردن مکان استعمال مواد مخدر، تنها اختصاص به مواد مخدر ندارد و گاه موجب ایجاد یا انتقال بیماری یا ارتکاب سایر جرائم می‌شود که از این باب، مقدمه حرام و ضرر است (سلیمانپور، ۱۳۸۲: ۱۳۰).

وجه اشتراک اعمال مجرمانه اداره و دایر کردن مرکز فساد و فحشا و اداره و دایر کردن مکان استعمال مواد مخدر، سه موضوع است. اولاً، هر دو عنوان مجرمانه، از باب قواعد «حرمت اعانت بر اثم و عدوان» و «حرمت مقدمه حرام»، به‌عنوان معاونت در عمل حرام یا مقدمه حرام بودن، حرام بوده و از منظر این دو قاعده فقهی، امری حرام است. ثانیاً، از منظر عقل نیز این موضوع با حرمت روبه‌رو است. ثالثاً، این موضوعات، مصداق بارز تحصیل مال از طریق نامشروع است که اداره یا دایرکنندگان آن که عملاً قصد انتفاع مالی نیز دارند و نتیجتاً باید این موضوعات را از مهم‌ترین مصداق بارز مشاغل مجرمانه دانست.

۸. شغل مجرمانه تکدی‌گری

تکدی‌گری، از جمله مشاغل مجرمانه است که به نظر می‌رسد در زمان حاضر، ارتکاب آن، رو به افزایش است. مطابق قانون، چهار مطلب در قبال تکدی‌گری قابل ذکر است:

- ۱) افعال مادی تکدی‌گری عبارت است از: شغل قرار دادن یا امرار معاش کردن از طریق تکدی‌گری، کلاشی یا ولگردی (ماده ۷۱۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۲) استفاده از صغیر یا غیررشید برای تکدی‌گری موجب افزایش کیفر است (ماده ۷۱۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵)؛
- ۳) انجام افعال تکدی‌گری برای یک‌بار، تکدی‌گری محسوب نمی‌شود و باید پیشه فرد یا امرار معاش وی از آن باشد.

۴) دومین موردی که قانون‌گذار، خودش مشاغل مجرمانه را به رسمیت شناخته، همین موضوع است (اولین مورد، دایر کردن مرکز فساد و فحشا است).

برای این منظور، آیات قرآن کریم (بقره، ۲۷۳؛ ضحی، ۱۰؛ حج، ۳۶) و روایات (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴: ۹۱) وجود دارد. برخی از این دلایل، نهی صریح یا ضمنی برای تکدی‌گری نیست. ولی آیه ۲۷۳ سوره بقره، نهی ضمنی در بردارد. بدین صورت که معنای فقرای حقیقی را مشخص نموده و مفهوم مخالف آن می‌تواند این باشد که سایر نیازمندان، فقیر نیستند. لذا وجوب کمک به آنان وجود ندارد. به نظر می‌رسد، این موضوع در روایات، با رویکرد روشن‌تری روبه‌رو باشد. امروزه موضوع تکدی‌گری به صورت سازمان‌یافته در جامعه ایران صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه افرادی قصد فریب دادن یا کلاه‌برداری دارند و فریب کار بودن برخی از متکدیان، مکشوف شده، جامعه همواره با چالش متکدی یا نیازمند واقعی و کلاه‌بردار روبه‌رو است. این موضوع موجب آسیب‌رسانی به نیازمندان حقیقی و مخدوش‌کننده روحیه کسب‌وکار سالم است. اگر متکدی، نیازمند نباشد و فقط این موضوع را شغل خود قرار داده و یا با معلول جلوه دادن خود، موجب ترحم مردم شود و یا با داستان‌سرای، از حسن احساسات مردم سوءاستفاده نماید، این اقدام به کلاه‌برداری نزدیک است. تحصیل مال از این طریق، سوای از نفی قانونی، همان «اکل مال بالباطل» است. ولی اگر فردی به معنای حقیقی متکدی گردد یعنی امکان به دست آوردن شغلی نداشته باشد و برای روزی خود، اقدام به تکدی‌گری کند، با عنایت به نهی ضمنی، کراهت یا احتیاط به ترک آن اولویت دارد (خمینی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۹۲ و برای مطالعه بیشتر، ر.ک. به: پاکتیا تبریزی، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۶۹). این مطلب نیز حائز اهمیت است که اگر نیازمند یا متکدی به انجام این عمل، مضطر باشد یا کسب درآمد برای او، تکلیف مالایطاق باشد، به استناد حدیث رفع، حکم از او برداشته شده و قابل کیفر نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۶۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۱۴ق: ۳۵۳؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۴۱۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۸۰). با این حال، به نظر می‌رسد عموماً افرادی اقدام به انجام این شغل می‌نمایند که قصر فریب‌کاری و کلاه‌برداری آنان وجود دارد و صحبت از نیاز و اضطرار آنان نیست که حکم به حرمت این اقدام، نظر نهایی است.

۹. شغل مجرمانه جاسوسی

جاسوسی یا جست‌وجو در افعال و اقدامات شخص یا گروهی، اگر مناسب با اهداف دولت اسلامی باشد، عمل مجرمانه تلقی نمی‌شود یعنی جاسوس، فاعل دولت اسلامی باشد. ولی اگر علیه دولت اسلامی، این اقدام صورت گیرد، در زمان جنگ، منطبق با آیات قرآن کریم (مائده، ۴۱؛ حجرات، ۱۲؛ انفال، ۲۷؛ انعام، ۶۸) و در روایات (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱: ۹۸؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۳۵۵) حرمت جاسوسی صادر شده است. در حقوق کیفری ایران، ارائه یا اطلاع اسرار مربوط به

سیاست داخلی و خارجی به افراد فاقد صلاحیت (ماده ۵۰۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) یا جاسوسی با ورود صدمه به امنیت ملی به نفع یا ضرر دولت بیگانه (ماده ۵۰۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) جاسوسی تلقی می‌شود و اگر فردی، شغل خود را جاسوسی قرار دهد، مکاسب وی، به استناد ادله اربعه اجتهادی، حرمت آن مورد حکم قرار می‌گیرد. بر اساس قاعده «منع تعاون بر اثم و عدوان» (بجنوردی، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۳۱۱)، جاسوسی مصداق اثم بوده و تعاون بر عدوان است و موجب دشمنی با دولت اسلامی است و اساس امنیت داخلی و خارجی را مورد هدف قرار می‌دهد. در این خصوص، حالات زیر وجود دارد:

- ۱) شغل جاسوس، جاسوسی برای دولت اسلامی باشد چه در زمان صلح، چه در زمان جنگ؟ منع فقهی مبنی بر حرمت این فرض، وجود ندارد؛
 - ۲) شغل جاسوس، جاسوسی علیه دولت اسلامی باشد در زمان صلح، چه در زمان جنگ؟ منع و حرمت فقهی مستنبط از ادله اجتهادی به‌مانند فروش اسلحه به دشمنان وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۴)
 - ۳) شغل جاسوس، جاسوسی برای بیگانه باشد چه در زمان صلح، چه در زمان جنگ بدون تضرر به دولت اسلامی؟ منع فقهی مبنی بر حرمت این فرض، وجود ندارد؛
 - ۴) شغل جاسوس، جاسوسی برای بیگانه باشد چه در زمان صلح، چه در زمان جنگ با تضرر به دولت اسلامی؟ منع فقهی مبنی بر حرمت این فرض از باب تعاون بر اثم و عدوان وجود دارد (انصاری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۴۴).
- بدین ترتیب، جاسوسی، علی‌رغم تصریح در آیات قرآن کریم، روایات و دلیل عقلی مبنی بر حرمت آن، در حالات مختلف، احکام متفاوتی دارد که این موضوع نیز در شرایط زمانی و مکانی خاص مبتنی بر عرف، سنجیده می‌شود.

بحث و نتیجه گیری

شغل و فعالیت اقتصادی، در شرایط فردی و اجتماعی جامعه، موضوع مهمی است که اگر قرار باشد با ارتکاب جرم، تلفیق گردد، جامعه و نظام اسلامی، به دلیل آثار سوء دنیوی و اخروی اکل مال بالباطل و تحصیل مال از طریق نامشروع، با آن مقابله می‌کند. محدوده این تحقیق بررسی این شرایط است که کسی ارتکاب جرمی را به‌عنوان شغل برای خود در نظر گرفت و در جامعه با آن شغل شناخته شود، ولی شرعاً و عقلاً مذموم بوده و در قانون نسبت به آن فعل، مجازات تعیین شده باشد.

هدف این تحقیق، بررسی جایگاه ادله اجتهادی در جرم‌انگاری مشاغل مجرمانه در حقوق کیفری ایران است. منظور از ادله اجتهادی، همان منابع اربعه است که قرآن کریم، سنت، اجماع و عقل، مبنای آن را تشکیل می‌دهد و منظور از ادله فقاهتی، قواعد فقه و اصول عملیه است. جرم‌انگاری مشاغل در قوانین جمهوری اسلامی ایران علاوه بر اینکه ناشی از وجود مفسده و آسیب به ابعاد مختلف جامعه بوده است، با مبانی فقهی شیعه سازگار است. بر اساس آن مبانی نیز حرمت دارد. تمامی مشاغل، دارای مبانی فقهی هستند و نمی‌توان جداسازی مبانی شرعی یا نقلی را از مبانی عقلی به معنی این دانست که برخی از مشاغل، دارای مبانی فقهی نیستند. سوای از دلیل اجماع که تنها در برخی از موضوعات، مورد ادعایی برخی از فقها است، سایر موضوعات، با ادله‌ای مانند قرآن کریم، روایات و عقل، مورد حکم قرار گرفته‌اند. اوج تعارضات در مشاغل مجرمانه مرتبط با قماربازی، مواد مخدر و تکدی‌گری است که اختلاف نظر در آن به دلیل وابسته بودن موضوع به عرف و زمان، وجود دارد. از میان ۹ گانه مشاغل مجرمانه بررسی شده در این مقاله، مواردی مانند مشاغل مجرمانه مرتبط با جرائم جنسی، محاربه و بغی، فساد و فحشا، مشروبات الکلی و سرقت به دلیل اطلاق در اصل فعل مجرمانه، موضوع شامل مشاغل و کسب درآمد از طریق آن نیز می‌شود. در موضوع تکدی‌گری، نهی ضمنی وجود دارد و موضوعات قماربازی و مواد مخدر علی‌رغم وجود نص صریح مبنی بر مذمت آن، جایگاه عرف در تشخیص برخی از مصادیق، موجب اختلاف فتوا شده است. جاسوسی نیز اگر علیه دولت اسلامی باشد در زمان صلح، چه در زمان جنگ یا جاسوسی برای بیگانه باشد چه در زمان صلح، چه در زمان جنگ با تضرر به دولت اسلامی، موجب حرمت است. حکم حقوقی هر یک از مشاغل مجرمانه نیز در صورت کشف قصد و جهت معامله یا واضح بودن موضوع، بطلان است و در غیر این صورت، صحیح است.

منابع

* قرآن کریم

- اسماعیل تبار، احمد. (۱۳۹۵). *اصول فقه (شناخت و ادله اجتهادی)*. چاپ اول. دانشگاه علوم قضایی.
- انصاری، مرتضی. (۱۳۸۸). مکاسب. ترجمه اصغر محمدی همدانی. چاپ سوم. جلد ۲. جنگل.
- بجنوردی، حسن. (۱۴۱۴ق). *القواعد الفقهیه*. تحقیق مهدی مهریزی و محمد حسین درایتی. چاپ اول. جلد ۱. هادی.
- پاک‌نیا تبریزی، عبدالکریم. (۱۳۹۷). تکدی‌گری و راه‌های مقابله با آن در فرهنگ اسلامی. مبلغان، ۲۰(۲۳۳)، ۹۶-۱۰۴.
- حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشیعه*. چاپ اول. جلد ۷. مؤسسه آل‌البتیت.
- الحلّی، ابی جعفر محمد بن منصور بن أحمد ابن ادریس. (۱۴۱۰ق). *کتاب السرائر*. چاپ اول. جلد ۲. مؤسسه النشر الإسلامی.
- خامنه‌ای، سیدعلی موسوی. (۱۳۹۸). *اجوبه الاستفتائات حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای*. چاپ بیست و یکم. انقلاب اسلامی.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۶۳). *توضیح المسائل*. چاپ نهم. انقلاب.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۳). *تحریر الوسیله*. ترجمه محمدباقر همدانی. چاپ چهارم. جلد ۲. اسلامی.
- خوئی، ابوالقاسم. (۱۳۸۸). *مبانی تکمله المنهاج*. ترجمه علیرضا سعید. چاپ دوم. جلد ۲. خرسندی.
- زراعت، عباس؛ مسجدسرائی، حمید. (۱۳۸۸). *کاملترین ترجمه و تبیین اصول الفقه*. چاپ اول. حقوق اسلامی.
- سلمانپور، محمدجواد. (۱۳۸۲). *مبانی فقهی حرمت استعمال و قاچاق مواد مخدر و جرایم مربوط به آن*. *فقه اهل‌بیت*، ۹(۳۵)، ۱۵۲-۱۲۰.
- صادقی تهرانی، محمد. (۱۳۸۴). *رساله توضیح المسائل نوین*. چاپ سوم. امید فردا.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه (۱۴۱۳ق). *من لایحضره الفقیه*. چاپ اول. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۴۰۳ق). *الخصال*. چاپ اول. جلد ۲. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه. (۱۴۰۶ق). *التوحید*. چاپ اول. جلد ۴. دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه محمدباقر موسوی. چاپ اول. جلد ۱۷. جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۰ق). *النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی*. چاپ اول. جلد ۱. دار الکتب العربی.
- عاملی (شهید اول)، محمد بن مکی. (۱۴۰۰ق). *القواعد و الفوائد*. چاپ اول. جلد ۲. مفید.

- عاملی جبعی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی بن مشرف. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام. چاپ اول. جلد ۱۱. مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۷۷). تبصره المتعلمین فی احکام الدین. چاپ اول. اسلامیه.
- عیاشی، محمد بن مسعود. (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. چاپ اول. جلد ۱. المطبعه العلمیه.
- قبولی درافشان، محمدمهدی. (۱۳۸۹). مفهوم و مبانی قابلیت استناد. دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۲۷۴-۲۵۵، (۱)۴۰.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ق). تفسیر قمی. چاپ اول. جلد ۱ و ۲. دار کتب.
- کاتوزیان، ناصر. (۱۳۸۹). قانون مدنی در نظم حقوق کنونی. چاپ بیست و هشتم. میزان.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. چاپ اول. ج ۵، ۷، ۸ و ۱۸. دار الکتب العلمیه.
- مجلسی، محمد باقر بن محمدتقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. چاپ اول. جلد ۲ و ۴. دار إحياء التراث العربی.
- محقق حلی، نجم الدین. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام. چاپ اول. جلد ۲. مؤسسه اسماعیلیان.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۷). قواعد فقه، بخش جزایی. چاپ اول. مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۸۸). قواعد فقه بخش مدنی. چاپ چهارم. مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۵). تحصیل نامشروع مال. چاپ دوم. مرکز نشر علوم اسلامی.
- محقق کرکی، نورالدین علی بن حسین بن عبد العالی. (۱۴۱۱ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد. چاپ اول. جلد ۱۱. مؤسسه آل‌بیت.
- مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۸۴). نقد و بررسی مکاتب اخلاقی. چاپ اول. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- میرمحمدصادقی، حسین. (۱۳۹۳). حقوق جزای اختصاصی، جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی. چاپ بیست و ششم. میزان.
- نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. چاپ اول. جلد ۳، ۶ و ۱۱. مؤسسه آل‌بیت لاحیاء التراث.